



A Big-Data Analysis of the Jurisprudence and Legal Themes on Social Media as Regards the Evaluation of the Bill on Family Support Through the Promotion of the Culture of Chastity and Hijab

Fateme Fallahtafti¹ Rouhollah Zarchipour²

DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.73.9.9

Research Paper

Received:
17 February 2024

Revised:
18 October 2024

Accepted
23 November 2024

Published:
04 November 2025

P.P: 261-295

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

The bill on family support through the promotion of the culture of chastity and hijab has been formulated with the aim of safeguarding social values and absorbing the participation of the sovereignty and the public in protecting social soundness, particularly the promotion of hijab (headscarf). Given the importance of the subject of the bill and the public sensitivity in relation with the political stance as regards hijab, the perusal of the content and policies stipulated in the proposed bill is deemed essential. Regardless of the ambiguities and defects associated with the bill of chastity and hijab in terms of law and jurisprudence pointed out by the elite, the public acceptance is also an important issue as people may not be fully aware of the content of the bill. This is against the background of the necessity for cultural support and social agreement when it comes to the implementation of a certain law. The big data produced by users on Twitter, Instagram, and Telegram were analyzed using the thematic analysis technique. The results indicate that some users find the content of the bill of chastity and hijab in conflict with human dignity and social justice. A repetitive source of ambiguity pointed out by users is the question of the legitimacy of setting penalties on not adhering with appropriate dressing. Some others question the bill for the absence of the votes of the majority in the process of its formulation, recognize the related penalties as a source of income for the government, and accuse the government of misuse of its sovereignty privilege. Some users find the manner of crime detection in conflict with the privacy of people, thereby labeling it as illegitimate. Some believe that the implementation of the bill has polarized the society and some others have blamed the lawmaker for the faulty form and content of the bill, the jurisprudence and legal aspects of which are carefully analyzed in the article.

Keywords: Thematic Analysis; Big Data; Users on Social Media; Hijab (Headscarf); Bill of Support for the Culture of Chastity and Hijab; Jurisprudence and Law in Iran.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. f.fallah@atu.ac.ir
2. PhD in Private Law and Jurisprudence, Shahid Motahari University, Tehran, Iran.

Cite this Paper: Fallah Tafti'F, Zarchipur'R.(2025). Jurisprudential and legal thematic analysis of big social media data in evaluating the family protection bill through the promotion of hijab and modesty culture, The Women and Families Cultural-Educational, 261–295.



Publisher:
Imam Hossein University.

©
The Author(s).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳
صص: ۲۶۱-۲۹۵شاپا چاپی: ۴۹۵۵-۳۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۳۶۴۵

تحلیل مضمون فقهی و حقوقی کلان داده‌های شبکه‌های اجتماعی در ارزیابی لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب

فاطمه فلاح تفتی^۱ روح‌اله زارچی پور^۲

چکیده

لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ حجاب و عفاف به منظور پاسداری از ارزش‌های اجتماعی و با هدف مشارکت حاکمیت و مردم در حفظ سلامت جامعه، به ویژه ترویج حجاب، تدوین شده است. بنا به اهمیت موضوع لایحه و همچنین حساسیت آحاد جامعه نسبت به کم‌وکیف وضع سیاست در حوزه حجاب، تدقیق محتوا و سیاست‌های مندرج در لایحه پیشنهادی، ضروری می‌نماید. فارغ از ایرادات و ابهامات فقهی حقوقی که توسط نخبگان علمی به لایحه عفاف و حجاب وارد است؛ نوع مواجهه مردم که ممکن است آگاهی کامل بر این لایحه نداشته باشند، مهم است؛ زیرا برای اجرای یک قانون حمایت فرهنگی و توافق اجتماعی نیاز است. تحلیل داده‌های پژوهش که باروش تحلیل مضمون کلان‌داده‌های تولید شده توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی توئیتر، اینستاگرام و تلگرام صورت گرفته، بیانگر این امر است که برخی کاربران، لایحه حجاب و عفاف را باکرامت انسانی و عدالت اجتماعی در تضاد دانسته و یکی از ابهامات پرتکرار در میان آنان، بحث عدم شرعی بودن قراردادن مجازات برای بی‌حجابی است. برخی به عدم دخالت اکثریت مردم در تدوین لایحه اشاره و با بیان درآمدزایی دولت به وسیله جریمه‌های نقدی در لایحه، آن را سوءاستفاده دولت از حق حاکمیتی خود می‌دانند. عده‌ای نوع کشف جرم در لایحه را با حریم خصوصی افراد در تناقض دانسته، آن را غیرمشروع می‌دانند. بعضی معتقدند اجرای لایحه حجاب، منجر به دوقطبی‌سازی در جامعه شده و در نهایت عده‌ای ایرادات شکلی به لایحه وارد کرده‌اند که در این مقاله به نقد، تحلیل و بررسی فقهی و حقوقی موارد فوق پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل مضمون، کلان‌داده، کاربران شبکه اجتماعی، حجاب، لایحه حمایت از فرهنگ حجاب و عفاف، فقه و حقوق ایران

۱- نویسنده مسئول: استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

f.fallah@atu.ac.ir

۲- دانش آموخته دکتری فقه و حقوق خصوصی، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

استناد: فلاحی تفتی، فاطمه؛ زارچی پور، روح‌اله (۱۴۰۴). معنای موفقیت از دیدگاه نوجوانان با تمرکز بر الگوهای اینستاگرام: یک مطالعه پدیدارشناسی؛ فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده؛ ۲۶۱-۲۹۵. DOR: 20.1001.1.26454955.1404.20.73.9.9

مقدمه

لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ حجاب و عفاف^۱ که در ابتدا در ۱۵ ماده و ۱۱ تبصره توسط قوه قضائیه تدوین شده بود، پس از طی مراحل تصویب در هیئت دولت در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۳۱ تقدیم مجلس شد این لایحه پس از بررسی‌های کارشناسی و اعمال تغییرات در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی، با هدف پوشش جامع‌تر موضوعات مرتبط، با افزایش تعداد مواد و تبصره‌ها، به تصویب رسید. همان‌گونه که در مقدمه لایحه تصریح شده است، هدف اصلی این سند قانونی، پاسداری از هنجارهای اجتماعی، به ویژه حجاب اسلامی، به عنوان یکی از ارکان اساسی حفظ سلامت جامعه و کرامت انسانی، به ویژه برای زنان به عنوان محور اصلی خانواده، می‌باشد. این لایحه با تأکید بر رویکردی تدریجی و مبتنی بر احترام به حقوق فردی، هرگونه اقدام خودسرانه و مغایر با مبانی اسلامی در برخورد با افرادی که به حجاب شرعی پایبند نیستند را مردود می‌شمارد. با توجه به اهمیت موضوع حجاب در جامعه و حساسیت افکار عمومی نسبت به سیاست‌گذاری در این حوزه، ضرورت دارد تا محتوا و سیاست‌های این لایحه به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

لایحه حمایت از حجاب و عفاف، علی‌رغم اهداف اعلام‌شده، با چالش‌های متعددی مواجه است. علاوه بر ایرادات فقهی و حقوقی که توسط جمعی از فقها، حقوق‌دانان و اساتید دانشگاه مطرح شده است، برای مثال برخی از کارشناسان حقوقی بر مغایرت برخی از مفاد لایحه با اصول قانون اساسی تأکید کرده‌اند، نحوه برخورد با این لایحه در سطح جامعه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی نظرات کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به برخی از مفاد لایحه ابهاماتی دارند که با برخی از ایرادات مطرح شده توسط نخبگان همخوانی دارد. با توجه به ماهیت حقوقی لایحه، بررسی ابعاد فقهی و حقوقی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا تضمین تطابق قانون با اصول و مبانی اسلامی و حقوقی، از جمله پیش‌نیازهای اجرای موفق آن است. موضوع حجاب به عنوان یکی از مسائل پیچیده و چند وجهی جامعه، همواره محل مناقشه و اختلاف نظر بوده است. طیف گسترده‌ای از افراد، از جمله

۱- به منظور اختصار و سهولت در ارجاع، در ادامه این متن به جای "لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب"، از عبارت "لایحه حجاب و عفاف" استفاده خواهد شد.

نخبگان، فعالان اجتماعی و عموم مردم، در خصوص ماهیت، ابعاد و راهکارهای مقابله با چالش بی‌حجابی و بدپوششی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی بر نقش فردگرایی و آزادی انتخاب تاکید دارند و دخالت دولت در این حوزه را نفی می‌کنند، در حالی که برخی دیگر بر لزوم حفظ هنجارهای اجتماعی و نقش حاکمیت در ترویج فرهنگ حجاب تاکید می‌ورزند. این اختلاف نظرها و دیدگاه‌های متفاوت، پیچیدگی موضوع حجاب را دوچندان کرده و نیاز به بررسی دقیق‌تر و همه‌جانبه این مساله را ضروری می‌سازد. با توجه به نقش پررنگ شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی افکار عمومی و گسترش گفتمان‌ها، این پژوهش با بررسی مضامین تولید شده توسط کاربران فعال در پلتفرم‌های توئیتر، اینستاگرام و تلگرام، به تحلیل جهت‌گیری‌های عمومی نسبت به لایحه مذکور پرداخته است. انتخاب این پلتفرم‌ها به دلیل حجم بالای تولید محتوا، تنوع کاربران و قابلیت دسترسی آسان به داده‌ها صورت گرفته است. اهمیت بررسی نگرش عمومی نسبت به لایحه حجاب و عفاف در آنجاست که اجرای موفق هر قانونی، از جمله قوانین مرتبط با حوزه اجتماعی، مستلزم همراهی و پذیرش مردمی است. همان‌طور که مطالعات متعدد در حوزه جامعه‌شناسی حقوق نشان داده‌اند، قوانینی که با مقاومت عمومی مواجه می‌شوند، نه تنها به اهداف خود دست نمی‌یابند بلکه ممکن است به تضادهای اجتماعی دامن بزنند. در این راستا، لایحه‌ای مانند حجاب و عفاف که به حوزه‌های هنجاری و ارزش‌های اجتماعی مرتبط است، به ویژه نیازمند پشتوانه مردمی قوی می‌باشد. به عبارت دیگر، پذیرش اجتماعی یک قانون، علاوه بر مشروعیت بخشیدن به آن، می‌تواند به کاهش هزینه‌های اجرایی و افزایش کارایی آن نیز کمک کند. این امر ضرورت انجام پژوهش‌هایی در زمینه سنجش افکار عمومی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف در خصوص این لایحه را دوچندان می‌نماید. از اینرو این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا بر روی حجم وسیعی از داده‌های تولید شده در پلتفرم‌های مذکور، به دنبال استخراج مضامین غالب و تحلیل آن‌ها بر اساس مبانی فقهی و حقوقی مرتبط با حجاب و عفاف است. به طور خاص، پژوهش به دنبال پاسخ به سوالات زیر می‌باشد: چه مضامین اصلی در دیدگاه‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی در خصوص لایحه قابل شناسایی است؟ تا چه میزان دیدگاه‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی با مبانی فقهی مرتبط با حجاب و عفاف همسو یا در تضاد است؟ چه رویکردهای حقوقی مختلفی در توجیه یا مخالفت با مفاد لایحه در فضای مجازی مطرح می‌شود؟ با توجه به مبانی فقهی و

حقوقی، چه نقدهایی بر مضامین غالب در دیدگاه‌های کاربران وارد است؟ با پاسخ به این سوالات، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا به درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری گفتمان عمومی پیرامون لایحه در فضای مجازی و تطابق آن با مبانی فقهی و حقوقی دست یابد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به عنوان مبنایی برای ارزیابی تطبیقی لایحه با مبانی نظری و ارائه پیشنهادات اصلاحی مورد استفاده قرار گیرد.

ادبیات پژوهش

پیشینه تجربی

درباره حجاب و عفاف، ادله عقلی و نقلی و نیز فلسفه و کارکردهای آن، تاکنون پژوهش‌ها و کتاب‌های بسیاری نگارش یافته است. از انقلاب مشروطه تاکنون، این موضوع همواره در کانون مباحث و مناقشات اجتماعی و فرهنگی بوده است. مطالعات انجام‌شده در این حوزه بسیار متنوع و گاه متعارض با یکدیگرند. این مطالعات از حوزه‌های مختلفی چون تاریخ، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و حتی روانشناسی به موضوع پرداخته‌اند. علاوه بر این، پژوهش‌های میدانی متعددی توسط نهادهای مختلف و دانشگاه‌ها انجام شده و در سطوح فردی، اجتماعی و حکومتی نیز تولیدات علمی فراوانی در این زمینه وجود دارد. یکی از آثار برجسته در حوزه حجاب و عفاف، کتاب "مسئله حجاب" نوشته شهید مطهری است. ایشان در این اثر، ضمن تأکید بر اهمیت پوشش مناسب برای زنان، به نقد دیدگاه‌های افراطی در این زمینه پرداخته و حجاب را نه مختص دین اسلام، بلکه امری انسانی و متناسب با فطرت زن دانسته‌اند. شهید مطهری با رویکردی جامع، به بررسی ابعاد مختلف حجاب از جمله ابعاد اجتماعی، روانشناختی و فقهی پرداخته است. مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما نیز در سال ۱۳۶۱ پژوهشی در زمینه حقوق، نقش اجتماعی و پوشش بانوان انجام داده است. این پژوهش با تأکید بر تفاوت‌های روانشناختی و جسمانی زن و مرد، حجاب را به عنوان یک نیاز روانی برای زن مطرح کرده و به بررسی دیدگاه‌های اقشار مختلف مردم تهران در این خصوص پرداخته است.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور نیز در سال ۱۳۶۹ با انجام پژوهشی، حجاب را به عنوان پوششی معرفی کرده که ویژگی‌های زنانه را حفظ کرده و حضور زن را در جامعه به دور از تظاهرات جنسی تضمین می‌کند.

کتاب "نگرشی دوباره به مسئله پوشش و حجاب اسلام" نوشته هدایت‌خواه نیز به بررسی جامع حجاب از ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی پرداخته و پیامدهای بی‌حجابی را از این منظرها تحلیل کرده است.

عظیمیان و بهشتی در کتاب خود، به بررسی فلسفه حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن (۱۳۸۸) پرداخته‌اند. آن‌ها با تاکید بر اهمیت درونی‌سازی حجاب و تقویت ایمان، به نقش حجاب در ارتقای شخصیت فردی و اجتماعی زنان اشاره کرده‌اند.

در رابطه با نقش حکومت در موضوع حجاب و عفاف نیز، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مجموعه مقالات "نظام اسلامی و مسئله حجاب" (۱۳۸۷) به کوشش سید جعفر حق‌شناس اشاره کرد که به طور جامع به بررسی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته است. همچنین، در کتاب "حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن" (۱۳۹۰) نوشته دکتر حکمت‌نیا، بخشی به مسئولیت دولت در ارتباط با حجاب و عفاف اختصاص یافته است. علی غلامی نیز در کتاب "مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران" (۱۳۹۱) به بررسی حقوقی و جامعه‌شناختی این موضوع پرداخته و فاطمه فلاح تفتی در کتاب "حاکمیت؛ حجاب و عفاف" (۱۳۹۷) به طور خاص به بررسی مسئولیت حکومت اسلامی از حیث فقهی و حقوقی پرداخته است. علاوه بر این، مقالات متعددی در مجلات علمی و کنفرانس‌ها به موضوع حجاب و عفاف اختصاص یافته است. برای مثال، جوادی یگانه و کشفی در مقاله‌ای به بررسی نظام نشانه‌ها در پوشش پرداخته‌اند و همایون و ساقینی به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در این زمینه پرداخته‌اند. همچنین، کاظمی و منصورزاده بر لزوم تعمیق فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تاکید کرده‌اند و حمیدی و فرجی به بررسی سبک زندگی و پوشش زنان در تهران پرداخته‌اند.

با وجود حجم قابل توجه مطالعات صورت گرفته در زمینه حجاب و عفاف، پژوهشی که به طور خاص به تحلیل دیدگاه‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی در خصوص لایحه حجاب و عفاف پرداخته باشد، یافت نشده است. این پژوهش با هدف پر کردن این خلا دانش، به بررسی عمیق

نظرات و واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به این لایحه می‌پردازد. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی و تحلیل دقیق مناقشات، ابهامات و چالش‌هایی است که کاربران در ارتباط با این لایحه مطرح می‌کنند.

با بررسی دقیق این دیدگاه‌ها، می‌توان به درک عمیق‌تری از انتظارات، نگرانی‌ها و باورهای جامعه در خصوص حجاب و عفاف دست یافت. نتایج این پژوهش می‌تواند به قانون‌گذاران و مجریان کمک کند تا با اتخاذ رویکردی مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و با در نظر گرفتن نظرات مختلف، به تدوین و اجرای قوانینی بپردازند که همسو با نیازها و مطالبات جامعه بوده و از سوی دیگر، با اصول و ارزش‌های اسلامی نیز همخوانی داشته باشد. به عبارت دیگر، این پژوهش می‌تواند به ایجاد یک گفتگوی سازنده بین جامعه و نهادهای تصمیم‌گیرنده منجر شود و در نهایت، به اجرای موفق‌تر قوانین مربوط به حجاب و عفاف کمک کند.

ادبیات نظری پژوهش

بررسی مفاهیم کلیدی موضوع یک پژوهش آن هم به صورت دقیق، سبب فهم بهتر مطلب می‌شود، براین اساس ابتدا باید این مفاهیم و واژه‌های کلیدی بررسی و واکاوی گردد تا مفاهیم را بهتر درک کنند و از ابهامات مفهومی آنان جلوگیری شود.

شبکه‌های مجازی

فضای مجازی محیطی است که در آن برقراری ارتباطات، رؤیت و انتقال اطلاعات، به صورت غیرقابل لمس و با اشغال اندکی از محیط قابل لمس، طراحی و کنترل می‌شود. بنابراین، کلیه خدمات، ابزارهای سخت و نرم، محتواها، ارتباطات، قالب‌ها و... دنیای اطلاعات و ارتباطات، شامل فضای مجازی می‌شود.» (کهوند، ۱۳۹۵، ص ۲۹)

البته می‌توان گفت فضای مجازی یک فضای واقعی است. زیرا اعمال انسان‌ها در این فضا تأثیر واقعی به دنبال دارد. به عنوان مثال در این فضا از طریق درگاه‌های بانک‌ها پول انتقال می‌یابد، مالیات پرداخت یا گرفته می‌شود، کارها و فعالیت‌های مدیریتی شکل می‌گیرد، رشد علمی، اخلاقی و معرفتی و... در آن رخ می‌دهد، انسان‌ها به هم وابسته و دلبسته می‌شوند و...؛ بنابراین می‌توانیم به

راحتی بگوییم فضای مجازی یک فضای کاملاً عینی است و عملکرد و اثری واقعی دارد. (جوادی آملی، ۱۳۹۴/۱۲/۹)

شبکه‌های اجتماعی امجازی مثل هر شبکه اجتماعی از اجتماع و روابط انسان‌ها در اجتماع تشکیل شده و تعداد روابط در یک شبکه یا اندازه شبکه در تعریف آن مهم نیست. ممکن است در یک جامعه انواع ارتباط یک‌طرفه وجود داشته باشد و افراد بدون تمایل به داشتن ارتباط در کنار یکدیگر به شکل ناخواسته در شبکه اجتماعی قرار بگیرند. شبکه اجتماعی مجازی زنجیره‌ای از ارتباطات یا حضور غیر فیزیکی افراد در یک محل مجازی است. (کاستلز، ۱۳۸۵، ص ۱۷) داده‌های مقاله حاضر از سه شبکه اجتماعی مجازی پرکاربرد تلگرام، اینستاگرام و توئیتر است.

حجاب و عفاف

از نظر لغوی «حجاب» مصدر از ریشه (ح ج ب) که دو معنای اصلی می‌توان از کتب لغت برای آن استخراج کرد: یکی، مانع و حایل خواه میان دو چیز مادی و محسوس، خواه میان دو امر معنوی و غیر محسوس) راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۱۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۸۶؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲۱) و دیگری پوشش (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۹۸؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۳) البته حجاب در اصل به معنای مانع از تلاقی دو چیز یا اثر آن دو است؛ چه مادی باشند یا معنوی، یا یکی مادی و دیگری معنوی (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۶۷) و کاربرد قرآنی حجاب نیز بر این مطلب دلالت دارد و اگر به پوشش، حجاب گفته می‌شود، از آن جهت است که پوشش، مانع از دیدن و از مصداق‌های حجاب است. (ر. ک. آیه ۳۲ سوره ص، سوره اسراء، آیه ۴۵. سوره اعراف، آیه ۴۶. سوره شوری، آیه ۵۱. احزاب، ۵۳؛)

در علم فقه حجاب زنان، به معنای پوشش خاص زنان است که همه بدن را به جز صورت و دست از نامحرمان بپوشاند که حکم آن در شرع مقدس اسلام «وجوب» است. (توضیح المسائل مراجع، بی تا، مسئله ۲۴۳۵؛ خمینی، روح الله، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۲؛ یزدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۹۲) نتیجه بحث در مورد اصطلاح حجاب در فقه آنکه با تحقیق و تفحص در کتب فقهای مسلمان (اعم از سنی و شیعه) در هنگام جستجوی واژه حجاب، روشن می‌شود که فقها (چه در کتب عربی و چه فارسی) لفظ حجاب را استفاده نکرده‌اند؛ بلکه بیشتر واژه «ستر» را به کار برده‌اند و احکام آن را

ذیل مباحث دیگر مانند پوشش نمازگزار و احکام نگاه عنوان کرده و باب مستقلی بدان اختصاص نداده‌اند.

عفاف، در صورتی که با فتح حرف اول خوانده شود، از ریشه عفت است. عفاف، اکتفا ورزیدن به بهره مندی کم و شایسته (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۹۲) خودنگهداری از محارم و ناپاکی‌ها و زشتی‌ها (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۳۸؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۸) به وجود آمدن حالتی در نفس انسان است که به وسیله آن از بالارفتن قوه شهوت جلوگیری به عمل می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۷۳) معنا شده است.

از این تعاریف این گونه برداشت می‌شود که اولاً عفت نوعی بازدارندگی نسبت به تمامی انواع شهوت اعم از در رفتار، گفتار و پوشش است و کنترل نگاه و عفت چشم هم جزئی از آن است. ثانیاً عفاف حالت بازدارنده‌ای است که باعث تسلط بر نفس برمی‌گردد و نفس چیزی جدای از جنسیت است و به جنسیت خاصی تعلق ندارد پس صفت عفاف هم در مرد و هم در زن باید نهادینه شود.

البته عفاف انواع مختلفی دارد که یکی از مصادیق مهم آن پوشش و حجاب است. با نگرشی وسیع‌تر و دیدی اجتماعی به احکام اسلام شاید بتوان گفت تعریف بیان شده از حجاب، تعریفی حداقلی و حتی ناقص از حجاب است. به سخن دیگر، برطبق رویکرد عالمان ژرف‌اندیش دینی، با تأمل دقیق در منابع آموزه‌های دینی و با تعمق در معنای عفاف، می‌توان از جنبه‌های فردی این حکم فراتر رفت و به ابعاد اجتماعی این رفتار متوجه گردید. همان‌گونه که استاد شهید مرتضی مطهری خاطر نشان ساخته است: «پوشش و حجاب زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۹، ص ۴۳۱) بنابراین، مقصود از حجاب اسلامی، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد: ۱. حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. ۲. با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. امروزه نزد عامه مردم آن معنایی از حجاب که بیش از همه به ذهن می‌آید و مورد استعمال است، همین معنای حجاب می‌باشد. به عبارت دیگر، اگر بی‌حجابی را پدیده‌ای دارای جلوه‌های متنوع بدانیم، آنچه پیش از هر چیز از این واژه به ذهن می‌رسد، نداشتن پوشش مناسب است. از این رو، پوشیدن

لباس‌های تنگ، بدن‌نما، تحریک‌کننده و بدشکل، پوشیده نبودن برخی مواضع نیازمند پوشش، آرایش نامناسب و نداشتن وقار لازم در اجتماع را می‌توان در مقوله بدحجابی گنجانند.

روش پژوهش

در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها، از روش جمع‌آوری داده‌های ماشینی استفاده شد. بدین صورت که تمامی کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی شده و سپس پست‌های تولید شده توسط کاربران شبکه‌های اجتماعی که حاوی این کلیدواژه‌ها بودند، جمع‌آوری گردید. برای انتخاب نمونه‌ای مناسب از این حجم عظیم داده، از روش نمونه‌گیری احتمالی غیرهدفمند و با استفاده از فرمول کوکران ۱ بهره گرفته شد. با این روش و پس از نمونه‌گیری از محتوا با ضریب اطمینان ۹۵٪ و حاشیه خطای ۵٪، ۳۸۳ پست منحصربه‌فرد به صورت تصادفی انتخاب شده و برای تحلیل عمیق‌تر مورد بررسی قرار گرفتند.

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از رویکرد ترکیبی کمی و کیفی استفاده شد. در بخش کمی، با استفاده از آمار توصیفی، فراوانی انواع محتوا (مانند پست اصلی، بازنشر، پاسخ و نقل قول) بررسی شد. در بخش کیفی، از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شد. این روش شامل شش مرحله کلیدی است: آشنایی اولیه با داده‌ها، کدگذاری اولیه، تولید کدهای فرعی، ادغام کدها و تشکیل مضامین اصلی، تعریف و نام‌گذاری مضامین و نهایتاً ترسیم شبکه مضامین. در این پژوهش، هفت مضمون اصلی شناسایی شد که محورهای اصلی تولید محتوا در رابطه با لایحه عفاف و حجاب را تشکیل می‌دهند.

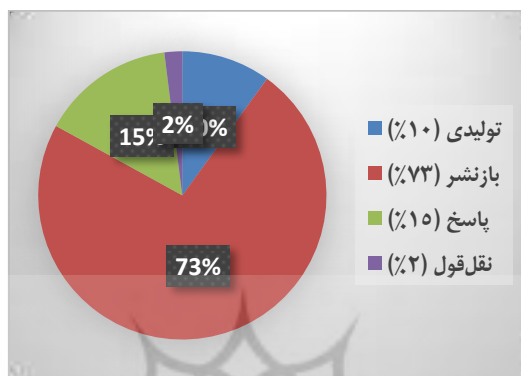
تحلیل کمی داده‌ها

در بخش تحلیل کمی این پژوهش، با بهره‌گیری از روش‌های محاسباتی علوم اجتماعی، به بررسی کمی داده‌ها پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از محتوای تولید شده در ارتباط با موضوع پژوهش، بازنشر (ریتوییت) بوده است. این آمار نشان‌دهنده تأثیرگذاری قابل توجه رهبران افکار عمومی بر شکل‌گیری گفتمان در این زمینه است. تنها ۱۰ درصد از کاربران به تولید

۱- فرمول کوکران برای محاسبه حجم نمونه بر اساس ماهیت انواع متغیرها در مطالعات پژوهشی ارائه گردیده است، که بر اساس گسسته یا پیوسته متغیر، متفاوت می‌باشد.

■ معنای موفقیت از دیدگاه نوجوانان با تمرکز بر الگوهای اینستاگرام: یک مطالعه پدیدارشناسی

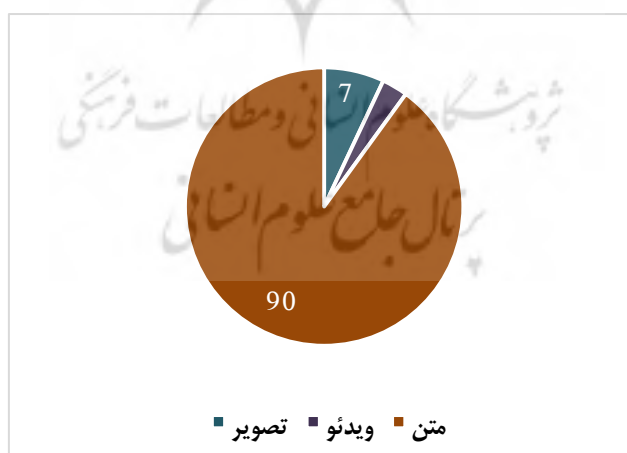
محتوای اصلی پرداخته‌اند و مابقی به پاسخ‌دهی (۱۵ درصد) یا نقل قول (۲ درصد) از محتوای دیگران پرداخته‌اند. نمودار زیر، توزیع فراوانی انواع توییتهای را به صورت تصویری نمایش می‌دهد.



نمودار شماره ۱- نمودار انواع توییتهای در موضوع پژوهش

استفاده از مدیا (تصویر، ویدئو و گیف متحرک) در توییتهای

مطابق نمودار زیر، ۹۰٪ محتوا صرفاً متنی است و تنها ۱۰٪ آن حاوی تصویر و ویدئو بوده است. این نکته نشان از متنی‌محور بودن ایکس و تمایل کاربران نسبت به محتوای متنی است.



نمودار شماره ۲: نمودار انواع توییتهای از حیث استفاده از مدیا

ابر هشتک‌های پر تکرار

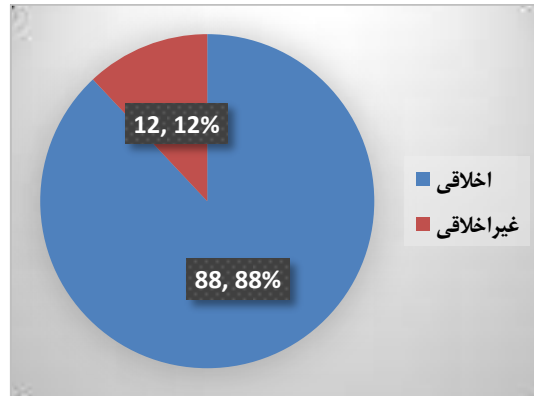
در نمودار زیر، پر تکرارترین هشتک‌های مورد استفاده کاربران در جریان تولید و انتشار محتوا در ارتباط با لایحه عفاف و حجاب مورد اشاره قرار گرفته است. میزان استفاده از هر هشتک با اندازه کلیدواژه مربوط به آن در نمودار زیر، رابطه‌ای مستقیم دارد؛ به این صورت که هر چه میزان استفاده از آن هشتک بیشتر باشد، اندازه کلمه مرتبط با آن نیز بزرگ‌تر خواهد بود.



تصویر شماره ۳- نمودار ابر هشتک‌های پر تکرار

نمودار وضعیت اخلاقی

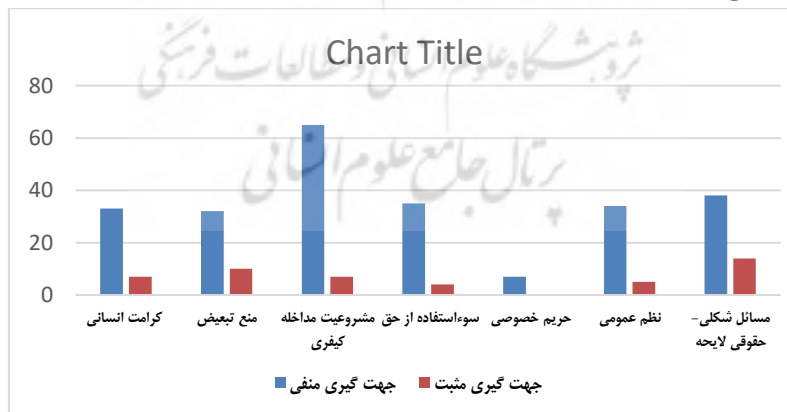
در نمودار زیر، میزان استفاده از الفاظ غیر اخلاقی، رکیک و محتوای حساس مورد اشاره قرار گرفته است. همان‌طور که در نمودار زیر قابل مشاهده است، ۸۸٪ محتوا وضعیتی اخلاقی و ۱۲٪ نیز وضعیتی غیر اخلاقی دارد.



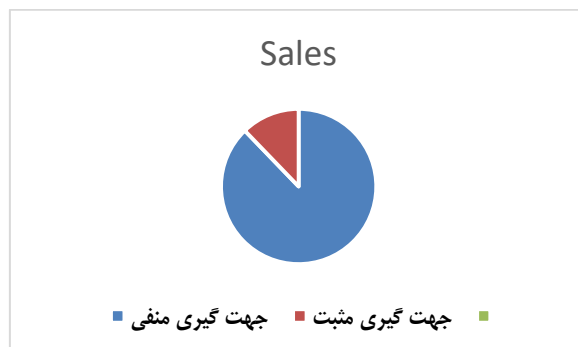
نمودار شماره ۴: نمودار وضعیت اخلاقی محتوای جمع‌آوری شده

یافته‌های پژوهش

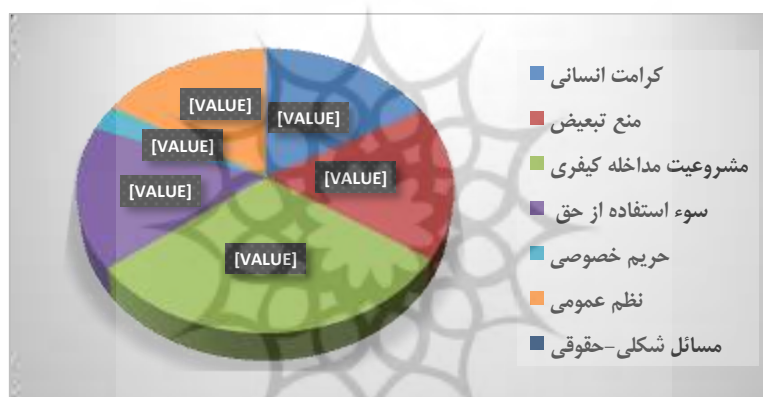
با استفاده از روش تحلیل محتوا بر روی ۳۸۳ پست جمع‌آوری شده از پلتفرم‌های مختلف شبکه‌های اجتماعی (توییتر، اینستاگرام، تلگرام)، طیفی از مضامین استخراج گردید. تحلیل فقهی-حقوقی این مضامین نشان می‌دهد که ۱۲,۲ درصد از آن‌ها دارای رویکردی مثبت و ۸۷,۸ درصد دارای رویکردی منفی نسبت به موضوع مورد بحث بوده‌اند. نمودارهای زیر، توزیع فراوانی این رویکردها را به صورت گرافیکی نمایش می‌دهند. در ادامه، به بررسی مفصل هر یک از مضامین اصلی استخراج شده پرداخته خواهد شد.



نمودار شماره ۵: مضامین فراگیر و نوع جهت‌گیری‌ها



نمودار شماره ۶: تعداد مضامین سازمان دهنده با جهت گیری مثبت و منفی به لایحه



نمودار شماره ۷: فراوانی مضامین فراگیر

کرامت انسانی

کرامت انسانی به عنوان یکی از بنیادی ترین مفاهیم در فلسفه و حقوق، به ارزش ذاتی و احترام هر فردی اشاره دارد. این مفهوم در ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (اسراء؛ ۷۰) در قرآن کریم، انسان به عنوان اشرف مخلوقات و دارای روحی الهی معرفی شده است. این امر نشان می‌دهد که کرامت انسانی از دیدگاه اسلام، ریشه در ذات الهی انسان دارد و به همین دلیل، به عنوان یک اصل غیرقابل تغییر و ذاتی در نظر گرفته می‌شود. (قربان نیا، ۱۳۸۷، ص ۸۵ و ۸۶) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۵۶)

در نظام حقوقی، کرامت انسانی به عنوان یک اصل اساسی، مبنای بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی است. این اصل، نه تنها در قوانین داخلی کشورها، بلکه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر مانند منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است. (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶۰) در واقع، بسیاری از حقوق و آزادی‌های بنیادین انسان، مانند حق حیات، آزادی بیان، و آزادی عقیده، مستقیماً از اصل کرامت انسانی نشأت می‌گیرند.

در فقه اسلامی نیز به عنوان یکی از ملاک‌های مهم در وضع احکام شرعی مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، هر حکمی که با اصل کرامت انسانی مغایرت داشته باشد، از نظر شرع باطل است. در حقوق کیفری اسلامی نیز، اصل کرامت انسانی به عنوان یک محدودیت برای مجازات‌ها مطرح شده است و مجازات‌ها باید به گونه‌ای باشند که به کرامت انسانی مجرم لطمه نزنند (نقیبی، ۱۳۹۱، ص ۶۰). این اصل سرلوحه وضع و اجرای قوانین کشور نیز قرار گرفته است.^۱ در حقوق کیفری، کرامت انسانی به عنوان یک محدودیت برای مجازات‌ها عمل می‌کند. به عبارت دیگر، هیچ مجازاتی نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که به کرامت ذاتی انسان لطمه بزند. این اصل، به عنوان یک اصل راهنما در تدوین قوانین کیفری و صدور احکام قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. از جمله اصول مهمی که در ارتباط با کرامت انسانی در حقوق کیفری مطرح می‌شود، می‌توان به اصل تناسب مجازات و جرم و اصل منع شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی اشاره کرد.

با وجود اهمیت بالای اصل کرامت انسانی، در عمل، تفسیر و اجرای این اصل با چالش‌هایی همراه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعیین حدود و مرزهای کرامت انسانی و تعیین اینکه چه رفتارهایی با این اصل مغایرت دارد، است. به عنوان مثال، تعبیرهایی مانند "خشونت‌آمیز" و "مخالف کرامت انسانی" ممکن است به صورت‌های مختلفی تفسیر شوند و این امر می‌تواند منجر به اختلاف نظر در مورد مشروعیت برخی از مجازات‌ها شود.

۱- مقدمه قانون اساسی و اصل ۲۰، ۲۲ و ۲۳ قانون اساسی و نیز ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۲ مصوبه شورای عالی اداری در خصوص منشور حقوق شهروندی به لزوم رعایت کرامت انسانی افراد و رفتار محترمانه اسلامی تصریح شده است.

یکی از مهم‌ترین محورهای بحث در شبکه‌های اجتماعی درباره لایحه حجاب و عفاف، مرتبط با اصل حفظ کرامت انسانی است. تحلیل نظرات کاربران نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آن‌ها (۲۰ مضمون از مجموع ۴۰ مضمون سازمان‌دهنده با جهت‌گیری منفی) این لایحه را به دلیل وجود مجازات‌هایی مانند جریمه، زندان و شلاق، مغایر با حقوق بشر و کرامت انسانی می‌دانند. همچنین، ۱۳ مضمون دیگر بر نامشروع بودن برخورد خشونت‌آمیز با بی‌حجابان تأکید دارند و معتقدند که این نوع برخوردها با اصول اسلامی مبنی بر حرمت ایداء و تعدی به دیگران مغایرت دارد.

این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از کاربران نگرانند که اجرای این لایحه منجر به نقض حقوق اساسی آن‌ها و کاهش کرامت‌شان شود. آن‌ها معتقدند که مجازات‌هایی از این دست، نه تنها بازدارنده نیستند، بلکه باعث ایجاد تنش و فاصله بین شهروندان و حکومت می‌شود. در پاسخ به این نگرانی‌ها، همانطور که گذشت اسلام بر حفظ کرامت انسانی تأکید دارد و هرگونه رفتار خلاف این اصل را، مذموم می‌داند. با این حال بی‌حجابی نیز نافرمانی از دستورات الهی است و از سویی یک جرم عمومی است که به نظم و امنیت جامعه آسیب می‌رساند و به همین دلیل، مستحق مجازات است. به عبارت دیگر، مجازات‌هایی که برای بی‌حجابی در نظر گرفته شده است، نه به قصد تحقیر و تنبیه، بلکه به منظور حفظ ارزش‌های اسلامی و هدایت افراد به سوی مسیر درست و به منظور حفظ نظم اجتماعی است.

از دیدگاه اسلامی، هر فردی به دلیل داشتن روح الهی، دارای کرامت ذاتی است. اما این کرامت، مشروط به رعایت حدود الهی و ارزش‌های انسانی است. بنابراین، فردی که با بی‌توجهی به این ارزش‌ها مرتکب جرمی می‌شود، از کرامت خود می‌کاهد و مستحق مجازات است. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۴۹، ص ۴۹۱-۴۹۶).

باید توجه داشت در تمامی مجازات‌ها نوعی مشقت و رنج به مجرم وارد می‌شود و این را نمی‌توان از مجازات سلب کرد؛ لکن تناسب میان این رنج ناشی از مجازات و جرم باید رعایت گردد. از این رو، اگر درباره جرمی چون بی‌حجابی که قانون‌گذار برای آن جرم‌انگاری کرده است، مجازاتی قرار داده شود، این عین حفظ کرامت فرد و جامعه است. زیرا رعایت کرامت نوع بشر و جامعه بر کرامت فرد برتری دارد و فردی که مرتکب جرم عمومی می‌شود موجب

از بین رفتن کرامت دیگران شده و از این جهت نیز مستحق تنبیه است. با این حال، باید توجه داشت که مجازات‌ها باید متناسب با جرم باشند و به گونه‌ای اعمال شوند که به کرامت انسانی مجرم لطمه نزنند. به عبارت دیگر، هدف از مجازات، اصلاح رفتار مجرم و بازگرداندن او به مسیر صحیح است، نه تحقیر و تنبیه او.

در نتیجه، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجرای لایحه حجاب و عفاف، یافتن راهکاری است که هم به حفظ ارزش‌های اسلامی و اخلاقی کمک کند و هم حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان را تضمین کند. برای تحقق این هدف، ضروری است که در تدوین و اجرای این لایحه، نظرات مختلف و نگرانی‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی به طور جدی در نظر گرفته شود.

منع تبعیض

یکی از مهم‌ترین محورهای مورد بحث کاربران شبکه‌های اجتماعی پیرامون لایحه حجاب و عفاف، مسأله عدالت است. براساس تحلیل نظرات کاربران، ۱۰,۹ درصد از مضامین فراگیر به موضوع عدالت در اجرای این لایحه اختصاص دارد. از مجموع ۴۲ مضمون پایه استخراج شده، سه مضمون اصلی به شرح زیر قابل شناسایی است:

الف. تبعیض بین طبقات اجتماعی: 15 مضمون سازمان‌دهنده (با جهت‌گیری منفی) به این موضوع اشاره دارند که جریمه‌های نقدی سنگین مندرج در لایحه، موجب تبعیض بین افراد فقیر و غنی می‌شود. کاربران معتقدند که این جریمه‌ها برای افراد کم‌درآمد بسیار سنگین‌تر بوده و در واقع، نوعی مجازات اقتصادی محسوب می‌شود.

ب. تعطیلی کسب و کارها و نارضایتی عمومی: 17 مضمون سازمان‌دهنده (با جهت‌گیری منفی) و ۲ مضمون سازمان‌دهنده (با جهت‌گیری مثبت) به این موضوع اشاره دارند که برخی از جرائم مندرج در لایحه، می‌تواند منجر به تعطیلی کسب و کارها و افزایش نارضایتی عمومی شود. کاربران بر این باورند که این امر نه تنها به عدالت اجتماعی ضربه می‌زند، بلکه می‌تواند باعث گسترش اعتراضات و بی‌ثباتی اجتماعی شود.

ج. تفاوت در برخورد با مسئولان و مردم عادی: 8 مضمون سازمان‌دهنده (با جهت‌گیری مثبت) به این موضوع اشاره دارند که لایحه باید جرایم سنگین‌تری برای مسئولانی که در اجرای

این قانون کوتاهی می‌کنند، در نظر بگیرد. کاربران معتقدند که اگر قرار است همه افراد جامعه به یک قانون پایبند باشند، باید مجازات‌ها نیز برای همه یکسان باشد.

آنچه در این مضمون فراگیر مد نظر است آن است که عدالت به مثابه قاعده فقهی است. اصل عدالت یا به تعبیری قاعده عدل و انصاف از قواعدی است که آیات متعدد قرآنی (مائده، ۸؛ نساء، ۵۸؛ نحل، ۹۰؛ ص، ۲۶؛ حدید، ۲۵؛ شوری، ۱۵) و روایات ائمه معصومین بر آن دلالت داشته که عدالت را در همه عرصه‌های آن تبیین کرده‌اند: عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، عدالت خانوادگی و... علاوه بر آنکه گزاره عدل و احسان از قضایای بدیهی یا دست‌کم از قضایای مشهوره است که خود به یقینی بودن و بدیهی بودن قاعده عدالت حکم می‌کند. (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۰۷) نیز می‌توان وجوب عدالت را از راه بنای عقلا ثابت کرد (محامد، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹) بسیاری از بزرگان فقه این قاعده را عام می‌دانند و آن را مختص مواردی نمی‌شمارند که در روایات آمده است؛ زیرا مصادیق عدالت در عصرها و نسل‌ها و زمان‌ها و مکان‌های مختلف در حال تحول و تطور است و مصادیق و موارد آن نسبت به اوضاع و احوال مختلف می‌شود، در هر زمینه‌ای اعم از عرصه‌های اجتماعی، مدیریتی، حقوقی و اقتصادی چهره نشان می‌دهد؛ از این روی نمی‌توان آن را در مصادیقی خاص محصور ساخت. از این رو دولت نیز موظف است عدالت اجتماعی را در میان اعضای جامعه اجرایی کرده و این را در تصویب لوایح و طرح‌ها مدنظر قرار دهد. باید دانست که عدالت به‌عنوان یک موضوع دارای عینیت و حقیقتی ماوراء اعتبار و قرارداد است و نزاع فلسفی و کلامی در مسئله حسن و قبح عدل و ظلم، ارتباطی به بحث ما ندارد (صادق زاده طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷). در نتیجه شناخت آن به فهم بشر و ارتکاز عقلا ارجاع داده شده است. ارتکازی که ردعی از جانب شارع نیز نشده است (صادق زاده طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۷) بنابراین، آیا وجود جریمه سنگین برای جرمی، صرف نظر از شدت آن، مجوزی برای بی‌عدالتی محسوب می‌شود؟ یا اجرای مجازات‌های متناسب با جرم، به معنای زیر سوال بردن عدالت اجتماعی است؟ این پرسش‌ها در خصوص لایحه حجاب و عفاف به ویژه حائز اهمیت است، زیرا برخی از کاربران معتقدند که جرایم سنگین پیش‌بینی شده در این لایحه، به ویژه جرایم مالی، به نوعی تبعیض بین طبقات مختلف اجتماعی را تقویت می‌کند.

شایان ذکر است که در حقوق کیفری، مجازات جرمی که جنبه اجتماعی و عمومی پیدا کرده است، همچون جرایمی که موجب اخلال در نظم عمومی (ماده ۸ (ق. آ. د. ک و ماده ۶۱۸ ق. م. ا) یا اشاعه فحشا (ماده ۲۸۶ ق. م. ا) می‌شوند، معمولاً تشدید می‌شود. این رویکرد با هدف حفظ نظم عمومی و ارزش‌های اجتماعی جامعه است. اما در مورد جرمی همچون بی‌حجابی، آیا این رویکرد نیز قابل تعمیم است؟

یکی از انتقادات اصلی به لایحه حجاب و عفاف، تمرکز بیش از حد آن بر پوشش زنان و بی‌توجهی به پوشش مردان است. این امر احساس تبعیض جنسیتی را در میان زنان تقویت می‌کند. همچنین، برخی کارشناسان بر این باورند که تعیین جرایم مالی سنگین برای بی‌حجابی، به نوعی تبدیل این جرم به جرمی مختص افراد دارای توان مالی بالا است. به عبارت دیگر، با این رویکرد، بی‌حجابی به جرمی برای افراد ثروتمند تبدیل می‌شود که با پرداخت جریمه می‌توانند آن را مرتکب شوند.

مشروعیت مداخله کیفری

یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که در فضای مجازی درباره لایحه حجاب و عفاف مطرح می‌شود، مشروعیت وضع مجازات برای بی‌حجابی است. براساس تحلیل نظرات کاربران، ۱۸,۷ درصد از مضامین فراگیر به این موضوع اختصاص دارد. از مجموع ۷۲ مضمون پایه استخراج شده، پنج مضمون اصلی به شرح زیر قابل شناسایی است:

۱. تردید در اصل وجوب حجاب: ۹ مضمون سازمان‌دهنده به این موضوع اشاره دارند که به دلیل تردید در اصل وجوب حجاب، وضع مجازات برای بی‌حجابی غیرشرعی است.
۲. اجبار به پذیرش دین: ۱۷ مضمون سازمان‌دهنده بر این باورند که اجبار مردم به پذیرش دین از طریق وضع قوانین، به‌ویژه در مورد مسائلی مانند حجاب که جنبه اخلاقی دارد، خلاف اصول اسلامی و حقوق بشری است.
۳. تفسیر مضیق قوانین کیفری: ۵ مضمون سازمان‌دهنده معتقدند که طبق اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، نمی‌توان برای بی‌حجابی که در شرع مجازات مشخصی برای آن تعیین نشده است، مجازات وضع کرد.

۴. اصل شخصی بودن مجازات‌ها: ۸ مضمون سازمان‌دهنده بر این باورند که مجازات‌ها باید شخصی باشند و نمی‌توان فردی را به دلیل عمل دیگری مجازات کرد. به‌عنوان مثال، جریمه کردن راننده تاکسی به دلیل کشف حجاب سرنشین، نقض این اصل است.

۵. عدم تناسب جرم و مجازات: ۱۶ مضمون سازمان‌دهنده به عدم تناسب جرایم پیش‌بینی شده در لایحه با مجازات‌های تعیین شده، به ویژه جرایم مالی، اشاره دارند.

به باور کاربران شبکه‌های اجتماعی، لایحه حجاب با چالش‌های جدی در حوزه فقه و حقوق مواجه است. از یک سو، اصل وجوب اجباری حجاب و دخالت دولت در این امر از منظر فقهی مورد تردید است. از سوی دیگر، تصویب این لایحه با اصول حقوقی همچون تفسیر مضیق قوانین کیفری و اصل شخصی بودن مجازات‌ها در تناقض است.

درباره دو بحث فقهی باید گفت که بنا به اجماع فقها (حکیم، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۲۳۹) بر زنان واجب است بدن و موی سر خود را از نامحرم بپوشانند. (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۹۸؛ یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۱۷) برخی فقیهان این حکم را از ضروریات دین و مذهب برشمرده‌اند. حکیم، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۲۳۹؛ سبزواری، بی تا، ج ۵، ص ۲۲۹) فقها برای اثبات این مسئله به ادله متعددی از جمله آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب استناد کرده‌اند همچنین روایاتی که برای تبیین بخشی از آیه ۳۱ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۰۱-۲۰۲) و ۶۰ سوره نور (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۰۲-۲۰۴)، روایاتی که برپایه آن‌ها، دختران باید از سن بلوغ به بعد، حجاب خود را رعایت کنند و خودشان را از نامحرم بپوشانند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲۸-۲۲۹) و... مؤید این آیات هستند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۳)

در مورد الزام حکومتی به حجاب نیز ادله فقهی نظیر قاعده حفظ نظام که از مسلمات فقه است (الموسوی الخمینی، ۱۳۸۹، ۲: ۴۶۱؛ الموسوی الخمینی، ۱۳۶۷، ۱۵: ۲۰۳؛ ۱۹: ۱۰۶؛ ۲۰: ۳۷)، ادله مسئولیت حکومت در تأمین سعادت دنیوی و اخروی مردم (شریف الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۵۶؛ کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۰۰)، ادله امر به معروف و نهی از منکر که مرحله عملی آن به عهده حکومت است (سید روح‌اله الموسوی الخمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۴۶۴ و ۴۸۱) و باید از انجام گناه در سطح جامعه جلوگیری کند و نیز ادله تعزیرات که حاکم بنا بر مصلحت می‌تواند برای برخی

گناهان، تعزیر قرار دهد (ابن زهره، بی تا، ج ۱، ص ۴۳۵؛ ابن سعید، بی تا، ص ۵۶۸؛ شهید ثانی و محقق حلی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۵۷؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۴۹۷؛ علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۷۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۴۸).

در مورد اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری، و تفسیر به نفع متهم نیز باید گفت تفسیر مضیق قوانین کیفری مربوط به مرحله صدور و اجرای حکم از جانب قاضی است، نه مرحله قانون گذاری. در مرحله تعیین مجازات برای جرم، قانون گذار باید متناسب با عملی ناشایستی که صورت می گیرد مجازات بازدارنده و متنبه ساز وضع کند. آنگاه قاضی با توجه به شرایط متهم و در مرحله صدور حکم یا اجرای حکم قوانین را تفسیر مضیق می کند یا اگر متهم مستحق تسهیل است قوانین را به نفع او تفسیر می نماید و نیز در مورد عدم رعایت اصل شخصی بودن مجازات ها نیز اصل بر این است که فردی به جهت خطای دیگران مجازات نشود و آیه و لا تزر وازره وزر اخری (۱۶۴ انعام) بر همین امر دلالت دارد. لکن به نظر می رسد بحث در اینجا صغروی است؛ در صورتی که یک فردی زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم کرده باشد نمی توان نقش او را در وقوع جرم نادیده گرفت و با استناد به اصل شخصی بودن مجازات ها از بی مبالاتی او به عدم رعایت قانون در بستری که توسط وی فراهم شده، چشم پوشی کرد. به عنوان مثال آیا می توان با استناد به اصل مذکور افرادی که عالمانه خانه خود را برای ساخت مشروبات الکلی در اختیار غیر قرار می دهند عقوبت نکرد؟! لذا قانون گذار حق دارد برای جلوگیری از گسترش بی حجابی صاحب مغازه یا راننده خودرو را ملزم کند تا از کشف حجاب در محل تحت تسلط آنها جلوگیری کنند و در صورت ترک فعل از جهت تسبیب در وقوع جرم برای آنها مجازات تعیین کند. (الغای خصوصیت از ماده ۵۲۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲) افزون بر این، حاکم جامعه اسلامی حق دارد برای حفظ نظم و سلامت جامعه که مصلحت اهم دارد، اصل مزبور را تخصیص یزند.

سوءاستفاده از حق

سوءاستفاده از قدرت دولتی به معنای استفاده نادرست از اختیارات قانونی برای تأثیر گذاری بر زندگی اجتماعی و فردی مردم است. این مفهوم در زمینه قانون گذاری به ویژه در مواردی که به حقوق و آزادی های فردی مربوط می شود، اهمیت ویژه ای دارد. در لایحه حجاب، انتقادات کاربران شبکه های اجتماعی به ویژه به این موضوع اشاره دارد که دولت با وضع این قانون، از

قدرت خود سوءاستفاده کرده و حقوق مردم را نادیده گرفته است. این انتقاد با فراوانی ۱۰،۱ درصد به عنوان یکی از دغدغه‌های کاربران مطرح شده است. از مجموع ۳۹ مضمون پایه استخراج شده، سه مضمون اصلی به شرح زیر قابل شناسایی است:

۱. عدم مشارکت مردمی: ۱۹ مضمون سازمان‌دهنده به این موضوع اشاره دارند که لایحه حجاب بدون توجه به نظر اکثریت مردم و به صورت یک‌جانبه تصویب شده است. کاربران معتقدند که چنین قانونی که بر سبک زندگی افراد تأثیر مستقیم دارد، باید با مشارکت گسترده مردم تدوین و تصویب شود.

۲. درخواست برگزاری همه‌پرسی: ۶ مضمون سازمان‌دهنده به این موضوع اشاره دارند که برای سنجش نظر عمومی در مورد لایحه حجاب، باید همه‌پرسی برگزار شود.

۳. انتقاد از درآمدزایی دولت از طریق جریمه‌ها: ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده به این موضوع اشاره دارند که دولت با وضع جریمه‌های سنگین برای بی‌حجابی، به دنبال افزایش درآمدهای خود است و این امر نشان‌دهنده انگیزه‌های اقتصادی در پشت این قانون است.

این انتقادات نشان می‌دهد که کاربران به شدت به عدم شفافیت در روند تصویب لایحه، عدم مشارکت مردم در تصمیم‌گیری و انگیزه‌های اقتصادی پشت این قانون معترض هستند.

دو مضمون اول را می‌توان ارجاع به این نکته داد که کاربران شبکه‌های اجتماعی این پیش‌فرض را پذیرفته‌اند که مردم می‌توانند در تدوین لوایح از جمله لوایحی که جنبه اجتماعی داشته، مشارکت داشته باشند. ذکر این نکته ضروری است که مشارکت مردم در قانون‌گذاری عالی‌ترین جلوه حق حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت زندگی سیاسی و اجتماعی خود است. مشارکت عمومی در فرایند قانون‌گذاری بدین معناست که مجلس به عنوان مهم‌ترین نهاد نظام مردم‌سالاری برای تحقق مهم‌ترین کارکرد خود یعنی قانون‌گذاری باید به سرچشمه اصلی خود یعنی مردم رجوع کند. فصل پنجم قانون اساسی به «حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن» اشاره کرده و بلافاصله در ذیل آن و به موجب اصل پنجاه و ششم، حق حاکمیت ملت بر سرنوشت اجتماعی

خویش به‌عنوان ودیعه‌ای الهی به رسمیت شناخته شده‌است. امروزه این نوع مشارکت مردمی به‌موجب اصل پنجاه و هشتم و پنجاه و نهم به دوشیوه در قوه مقننه اتفاق می‌افتد: از طریق واگذاری حق مزبور به نمایندگان منتخب مردم در مجالس قانون‌گذاری و براساس اصل تفکیک قوا و از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم در مسائل بسیار مهم، اقتصادی، سیاسی اجتماعی و فرهنگی (که به پیشنهاد رئیس‌جمهور یا یکصد تن از نمایندگان مجلس بوده و به تصویب حداقل دو سوم نمایندگان ملت برسد) که به موجب ماده ۱۵ قانون در این همه‌پرسی، آرا عمومی به‌صورت «آری» یا «نه» بوده و به‌عبارتی از نوع گزینش‌گری است (ر.ک. رستمی، ۱۳۸۷). از این‌رو در بحث قانون حجاب می‌توان گفت شرایط همه‌پرسی و به‌عبارتی قانونی مسئله مهیا نیست؛ اما نکته ضروری بحث آن است که عرف نقش مؤثری در متروک شدن برخی قوانین (لوی برول، ۱۳۷۰، ص ۴۴) و حتی جرم‌زدایی عملی از برخی عناوین مجرمانه مانند بزه تکدی (موضوع ماده ۷۱۲ ق.م.ا) دارد حتی قانون حجاب که موضوع تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا است، نیز کم و بیش دارای چنین سرنوشتی شده‌است. لذا شایسته است که موضع نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران، به سنجش افکار عمومی و رفع شبهات فراگیر آنان و نیز در نظر گرفتن همه استلزامات فرهنگی - اجتماعی و شرعی مسئله باشد. چنانکه تأسیس و راه‌اندازی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با این هدف بوده و می‌تواند در جهت سنجش افکار عمومی و استفاده از آن به کار گرفته شود. البته باید در نظر داشت که حجاب از احکام قطعی اسلام است و اجرای احکام اسلامی وابسته و معلق به موافقت و رأی مردم نیست ولی قانون‌گذار باید ملاحظه کند که آیا جامعه از آمادگی اجرای چنین حکمی برخوردار است یا خیر و اگر نیست زمینه‌ها و شرایط را به‌مرور زمان فراهم کند. حضرت امیرالمومنین در مقابله با بدعت‌هایی که خلفای قبل ترویج داده بودند بدین‌گونه عمل می‌نموده و اجرای احکام را منوط به موافقت مردم نمی‌کردند ولی در برخی موارد مانند از بین بردن بدعت نماز تراویح از آنجایی که با مخالفت گسترده روبه‌رو شدند این کار را به زمان دیگر محول کردند. و دیگر اینکه کدام یک از کشورها تاکنون اجرای قوانین تأمین‌کننده سلامت خانواده و جامعه و نظم را به فراندوم گذاشته است که این الگو در ایران نیز اجرا شود؟!

و اما در مورد درآمدزایی باید گفت جزای نقدی مبلغی است که دادگاه می‌تواند پس از پیگرد موفقیت‌آمیز در یک موضوع، حکم به پرداخت آن را بدهد (موارد ۱۶، ۱۷، ۵۵۸ و

۵۹۸) جریمه نقدی، این مجازات شامل رسیدگی قضائی نمی‌شود و زمانی اعمال می‌شود که شخص از مفاد یک عمل معین پیروی نکند و میزان آن را قانون معین می‌کند (بهرامی، ۱۳۹۴، ش ۶۶۶۰۴۵ ب). مجازات اصطلاحی است که عمدتاً در زمینه اجتماعی - حقوقی استفاده می‌شود.

البته آنچه که در لایحه حجاب آمده است جرائم نقدی است نه جزای نقدی ولی هزینه‌کرد آن، یکی است و در همه موارد به خزانه دولت واریز شده و نحوه اجرا و وصول آن تابع قانون است. این نکته را باید در نظر داشت که اگر عملی مجرمانه محسوب شود و جزء جرائم تعزیری باشد، قانون‌گذار می‌تواند هر یک از مجازات‌های حبس، جزا یا جریمه نقدی و مصادره کل اموال، انحلال شخص حقوقی، انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال و ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی (مطابق ماده ۱۹ ق. م. ا) قرار دهد و اگر این نقد را وارد بدانیم باید نسبت به تمام جرائم این ادعا را داشت. نکته دیگر اینکه وضع جرائم نقدی در پیشگیری از ارتکاب و تکرار جرم بسیار مؤثر است و هدف ارعایی مجازات و بازدارندگی آن برای مجرم در جرائم نقدی تأمین می‌شود؛ زیرا هیچ موقع مجرم به آن خو نمی‌گیرد و همواره پرداخت مبلغی وجه برای او تازگی دارد در نتیجه هدف ارعایی برای مجرم متوقف نمی‌شود. در حالیکه «وقتی محکوم به محرومیت و اندوهی که از حبس نتیجه می‌شود، عادت کرده اثر آن کم می‌شود. ولی جزای نقدی از نظر تعقیب و مجازات چنین اثری را دارا نیست». (ملک اسمعیلی، ۱۳۵۹، ص ۲۰۵) دیگر آنکه در تناسب میان جرم و مجازات می‌توان با توجه شدت و خفت قیح عمل ارتكابی، آن را کم و زیاد کرد. (علی‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳) و بر خلاف زندان فاسدکننده نیست و موجب تحلیل قوای مجرم نمی‌گردد. (علی‌آبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳) به عبارتی منجر به صدمات روحی و روانی بر مجرم نمی‌شود به‌مانند حبس رسواکننده و ننگ‌آور نیست. البته در اینکه در لایحه حجاب این نوع جرائم چقدر بازدارندگی دارد یا تناسب با نوع عمل ارتكابی دارد، خود بحث دیگری است که مجال دیگری را نیز می‌طلبد.

حریم خصوصی

حریم خصوصی به عنوان حقی مسلم برای همه افراد، به معنای فضایی است که در آن افراد می‌توانند بدون مداخله دیگران زندگی کنند و تصمیمات خود را اتخاذ نمایند. این مفهوم به‌ویژه در دنیای امروز که فناوری و رسانه‌های اجتماعی به‌طور فزاینده‌ای در زندگی روزمره افراد نفوذ کرده‌اند، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. حریم خصوصی نه تنها شامل جنبه‌های فردی و خانوادگی زندگی می‌شود، بلکه به حقوق اساسی افراد در برابر دولت و دیگر نهادها نیز مربوط می‌گردد. یکی از انتقادات کاربران شبکه‌های اجتماعی به لایحه حجاب، نقض حریم خصوصی افراد است. این نگرانی با فراوانی ۱٫۸ درصد از مجموع ۷ مضمون پایه، در میان نظرات کاربران به چشم می‌خورد. به طور خاص، کاربران بر این باورند که برخی از مفاد لایحه، به ویژه آن دسته که به تصویربرداری از افراد بی‌حجاب و اعمال جریمه‌های مرتبط با آن اشاره دارند، به صورت مستقیم حریم خصوصی افراد را نقض می‌کند. به عبارت دیگر، کاربران معتقدند که ورود به حریم خصوصی افراد بدون مجوز قانونی و تصویربرداری از آن‌ها بدون رضایتشان، عملی غیرقانونی و ناقض حقوق فردی است. آن‌ها بر این باورند که این نوع از مجازات‌ها نه تنها بازدارندگی لازم را ندارد، بلکه به اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی نیز آسیب می‌زند.

در بررسی این مطلب باید گفت: مفهوم "حریم" در زبان فارسی، بسته به آنچه به آن اضافه می‌شود، معانی مختلفی می‌یابد. زمانی که به "مال" اضافه می‌شود، به معنای "اطراف و پیرامون" است؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۲۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۴) اما هنگامی که به "انسان" اضافه می‌شود، به معنای چیزی است که باید از آن محافظت کرد و برای حفظ آن تلاش نمود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۱۲۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۴) حریم انسان شامل جان، آبرو، خانواده و اموال او می‌شود.

حریم انسان به دو بخش عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. حریم عمومی، حوزه‌ای است که در آن همه افراد جامعه سهم دارند و قوانین آن به صورت اجتماعی شکل می‌گیرد. در مقابل، حریم خصوصی، حوزه شخصی افراد است که دیگران حق دخالت در آن را ندارند (کدیور، ۱۳۸۷، ص ۵۳).

تعریف دقیق حریم خصوصی چالش‌برانگیز بوده و در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. با این حال، به طور کلی می‌توان گفت که حریم خصوصی به قلمروی از زندگی انسان اشاره دارد

که در آن، فرد آزاد است و دیگران حق دخالت در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال او را ندارند. (ر.ک. اسکندری، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷) حریم خصوصی را می‌توان در چهار حوزه ارضی، اطلاعاتی، ارتباطی و جسمانی (ر.ک. نوری و نخجوانی، ۱۳۸۳، ص ۳۲؛ شهریاری، بی‌تا) بررسی کرد. برخی معتقدند که حجاب به عنوان یک عقیده شخصی، جزئی از حریم خصوصی اطلاعاتی افراد است و بنابراین، دولت حق ندارد در آن دخالت کند. آن‌ها به ماده ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره می‌کنند که آزادی اندیشه و بیان را تضمین می‌کند.

اما این دیدگاه با چند چالش اساسی مواجه است: اولاً مفهوم "عقیده" با "اندیشه" متفاوت است. عقیده، باور راسخ و پایدار به چیزی است، در حالی که اندیشه، تفکری است که ممکن است تغییر کند. بسیاری از عقاید بر اساس تقلید، تعصب یا احساسات شکل می‌گیرند و لزوماً بر پایه دلیل و منطق نیستند. (ر.ک. مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۴، ص ۱۲۰-۱۲۱) بنابراین، نمی‌توان هرگونه رفتاری را به نام "آزادی عقیده" توجیه کرد. از سویی عقاید غلط موجب اسارت شخص و خروجش از مسیر انسانیت می‌شود و باید این زنجیرها را از دست و پای او باز کرد. (ر.ک. مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۶، ص ۳۵۶)؛ حال باید بررسی شود عدم عقیده به حجاب، اعتقادی صحیح است یا بر اساس تقلید یا تحت تأثیر بودن یا نداشتن شناخت و... بوجود آمده است که در این صورت باید زمینه‌های آگاه‌سازی فرد فراهم شود.

ثانیاً؛ حتی اگر بی‌حجابی را یک عقیده مبتنی بر دلیل در نظر بگیریم، آزادی بیان به معنای آزادی در انجام هر کاری نیست. در یک جامعه، آزادی افراد با حقوق دیگران و مصالح عمومی در تعارض است. در جامعه‌ای با اکثریت مسلمان، نادیده گرفتن حکم حجاب که یک حکم ضروری اسلامی است، می‌تواند به حقوق سایر افراد جامعه که به این حکم معتقدند، لطمه بزند. ثالثاً؛ آزادی‌های فردی باید در چارچوب قوانین و مقررات جامعه اعمال شود. اگر هر فردی حق داشته باشد که هر آنچه را که می‌خواهد در انظار عمومی انجام دهد، بدون در نظر گرفتن عواقب اجتماعی آن، نظم و امنیت جامعه به خطر می‌افتد.

رابعاً؛ «برفرض پذیرش آزادی ابراز عقیده برای همه، باید در نظر داشت که این حق با حق بهره‌مندی از فضای مناسب دینی که یکی از شاخه‌های حق دین و دین‌داری است تراحم می‌کند. حال با توجه به این حق و اینکه در جامعه اسلامی که اکثریت آن مسلمان هستند و باید به قوانین

اسلامی پایبند باشند، اگر کسی حکم ضروری حجاب را نادیده بگیرد و علناً فضا را غیراسلامی کند، حق نوعی بر حق فردی تقدم پیدا می‌کند؛ چراکه در همه مکاتب حقوقی، در تعارض حقوق فرد با مصالح یک جامعه، مصلحت نوعی بر مصالح شخصی و به تعبیری بر حریم خصوصی فرد، مقدم است» (فلاح تفتی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۶).

برخی معتقدند که حجاب به عنوان بخشی از ظاهر فرد، جزئی از حریم خصوصی جسمانی او محسوب می‌شود و هرگونه دخالتی در آن، نقض حریم شخصی است (ر.ک. محلاتی، ۱۳۸۹). اما این دیدگاه با چند چالش اساسی مواجه است: اول آنکه؛ لباس تنها یک پوشش شخصی نیست، بلکه یک ابزار ارتباطی و نماد هویت اجتماعی نیز هست. نوع پوشش افراد در مکان‌های عمومی می‌تواند بر دیگران تأثیر بگذارد و به همین دلیل، جامعه حق دارد در مورد آن قضاوت کند و محدودیت‌هایی را برای آن در نظر بگیرد (ر.ک. فلاح تفتی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸). دوم؛ حریم خصوصی، اگرچه یک حق اساسی است، اما مطلق نیست. در شرایط خاص و برای حفظ نظم و امنیت عمومی، می‌توان به آن محدودیت‌هایی وارد کرد. چراکه حجاب به عنوان بخشی از هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده است. نادیده گرفتن این هنجار می‌تواند به ایجاد بی‌نظمی و تفرقه در جامعه منجر شود.

سوم آنکه؛ قانون جمهوری اسلامی ایران در خصوص پوشش افراد، به ویژه در اماکن عمومی، مقرراتی را وضع کرده است. ماده ۴۳ قانون رسیدگی به تخلفات استفاده‌کنندگان البسه خلاف شرع، مصوب ۱۳۶۵، یکی از این مقررات است. بر اساس این ماده، هر فردی که در انظار عمومی پوششی خلاف شرع یا موجب فساد و هتک حیثیت عمومی داشته باشد، قابل تعقیب قضایی است. این قانون هم مردان و هم زنان را شامل می‌شود و به صراحت به اهمیت رعایت شئون اسلامی در اماکن عمومی اشاره دارد.

۱- بنا بر مستندات عقلی و نقلی و همچنین قوانین ایران (اصول ۱۴، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۱۴۲ قانون اساسی؛ قانون مجازات اسلامی با تفسیر مواد ۵۸۲، ۶۰۶؛ قانون آیین دادرسی کیفری با تفسیر مواد ۹۶، ۶۷ و ۱۰۶؛ قانون مطبوعات) و جوامع بین المللی (ر.ک. کوشا، ۱۳۸۱، ص ۱۹ به بعد) می‌توان در برخی از حالات و شرایط خاص و در محدوده خاص آن را نقض نمود و در دایره اختیارات حکومت قرار داد.

نظم عمومی

یکی از موضوعات پر تکرار در تحلیل داده‌ها، بحث حفظ نظم اجتماعی بود. حدود ۱۰٫۱ درصد از کل مضامین استخراج شده، به نحوی به این موضوع مرتبط بودند. در این زمینه، از مجموع ۳۹ مضمون پایه، دو مضمون سازمان‌دهنده و با دو دیدگاه متضاد وجود داشت:

دیدگاه اول: عده‌ای معتقد بودند اجرای لایحه حجاب می‌تواند منجر به دو قطبی‌سازی اجتماعی و در نهایت اختلال در نظم عمومی شود. به باور این گروه، اجرای این لایحه باعث ایجاد تنش و تقابل در جامعه شده و در نتیجه به تضعیف انسجام اجتماعی می‌انجامد.

دیدگاه دوم: گروه دیگری از شرکت‌کنندگان، با انتقاد از ضعف اجرایی قانون، معتقد بودند که عدم برخورد جدی با تخلفات حجاب، موجب هرج و مرج و در نتیجه اختلال در نظم عمومی می‌شود. به نظر این گروه، اجرای دقیق و قاطع لایحه حجاب می‌تواند به حفظ نظم و امنیت اجتماعی کمک کند.

یکی از اصول بنیادین در فقه اسلامی، حفظ نظام است. این اصل به معنای حفظ و نگهداری از ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی است. فقها، مصادیق مختلفی برای "نظام" ذکر کرده‌اند؛ از جمله نظام اجتماعی (انصاری، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹۶؛ غروی نائینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۲)، کیان اسلام (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴) و حکومت اسلامی. (سید روح الله الموسوی الخمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۹، ص ۱۵۳؛ غروی نائینی، ۱۴۲۴، صص ۷۵-۷۶) دلیل اصلی اهمیت حفظ نظام، این است که اختلال در آن، به معنای تهدید ارزش‌ها و منافع مشترک جامعه است. به همین دلیل، فقها، حفظ نظام را از احکام اولیه (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۶۰) و حاکم بر سایر احکام دانسته‌اند، به طوری که در صورت نیاز، می‌توان برای حفظ نظام، احکام دیگری را نیز وضع کرد.

یکی از مهم‌ترین تهدیدات علیه نظام، ایجاد دو قطبی‌سازی در جامعه است. دو قطبی‌سازی زمانی رخ می‌دهد که جامعه به دو گروه کاملاً متضاد تقسیم شود و هر گروه، دیگری را به کلی رد کند. این وضعیت، منجر به افزایش تنش، کاهش اعتماد اجتماعی و در نهایت، تضعیف انسجام ملی می‌شود. دو قطبی زمانی شکل می‌گیرد که یک سوی ماجرا را حق مطلق و سوی دیگر را باطل محض بدانیم. چنین جبهه‌بندی‌ای، رقابت را حیثیتی و یک تعصب ایدئولوژیک درست می‌کند. ایجاد فضای دو قطبی در جامعه، نزاع ساز است. یعنی نزاع را در سطح خانواده‌ها و فامیل و دوستان

و حتی افراد نامرتبط به موضوع توسعه می‌دهد؛ رخوت ساز است. افراد یا در نزاعند یا ساکت و گوشه نشین در سیاست. هر کس خود را در دو قطبی‌ها نبیند، دچار مارپیچ سکوت شده و خودبه‌خود حذف می‌شود. «معنای دو قطبی این است که وقتی این اختلاف سلیقه به وجود آمد در هر تصمیمی به جای اینکه به حق و مصلحت فکر کنیم، به جایگاه این دسته‌بندی فکر می‌کنیم؛ دسته‌ی ما این جوری می‌خواهد، پس باید این بشود؛ حالا حق هست یا نیست، مصلحت هست یا نیست، فرقی نمی‌کند.» («بیانات رهبر معظم انقلاب»، ۱۴۰۲، ص ۱۴۰۲/۳/۳) بنابراین قرارداد قانون سبب دو قطبی‌سازی نشده و اگر غیر این باشد، می‌توان مدعی شد که هر قانونی سبب دو قطبی‌سازی می‌شود. مهم آن است که در تدوین و تصویب قوانین، منافع شخصی، گروهی، حزبی و... دخالت نداشته باشد و بر اساس شرع و قانون، قوانین تصویب و اجرا شود. لایحه حجاب نیز به عنوان یکی از قوانین مهم، می‌تواند بر حفظ نظام تأثیرگذار باشد. اجرای این لایحه اگر به درستی و با تدبیر انجام شود، می‌تواند به تقویت وحدت و انسجام ملی کمک کند. اما اگر اجرای آن به گونه‌ای باشد که منجر به دو قطبی‌سازی و تشدید اختلافات شود، می‌تواند تهدیدی برای نظام محسوب شود.

مسائل شکلی - حقوقی لایحه

یکی دیگر از مضامین فراگیر استخراج شده، بحث مرتبط با مسائل شکلی لایحه است انتقاد به بررسی و تصویب غیرعلنی لایحه (۳۸ مضمون سازمان‌دهنده با جهت‌گیری منفی) و انتقاد از تأخیر در تدوین، بررسی و تصویب لایحه (۱۴ مضمون سازمان‌دهنده با جهت‌گیری مثبت) از مجموع ۵۲ مضمون پایه و با ۱۳٫۵ درصد بود که استخراج شد. اصل شصت و نهم قانون اساسی بیان می‌دارد: «مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. در شرایط اضطراری، در صورتی که رعایت امنیت کشور ایجاب کند، به تقاضای رئیس‌جمهور یا یکی از وزرا یا ده نفر از نمایندگان، جلسه غیر علنی تشکیل می‌شود. مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد. گزارش و مصوبات این جلسات باید پس از بر طرف شدن شرایط اضطراری برای اطلاع عموم منتشر گردد».

نکته مهم آن است که این اصل تصریحی ندارد که مذاکرات مجلس شورای اسلامی محدود به مذاکرات صحن علنی است و شامل مذاکرات کمیسیون‌ها نمی‌گردد. گزارش تفسیری شورای نگهبان پیرامون اصل شصت و نهم قانون اساسی نیز این برداشت از اصل ۶۹ را تأیید می‌کند، در این گزارش ذکر شده: برخی معتقدند مذاکراتی که مطابق صدر اصل ۶۹ قانون اساسی می‌بایست علنی انجام شوند، صرفاً مذاکرات رسمی است که در صحن علنی مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود. بدیهی است مذاکرات کمیسیون‌های داخلی (اعم از عادی و ویژه) و مذاکرات غیر رسمی مجلس شورای اسلامی مشمول صدر این اصل نمی‌شوند و مجلس شورای اسلامی در علنی یا غیر علنی نمودن آن‌ها مخیر است. **این در حالی است که تفکیک مذاکرات و جلسات مجلس به رسمی و غیر رسمی صحیح و قانونی نیست و موجب سوء استفاده مجلس و دور زدن قانون اساسی می‌شود.** اصل ۶۹ قانون اساسی در مورد لزوم علنی بودن مذاکرات مجلس اطلاق دارد و تفکیکی بین جلسات رسمی و غیررسمی مجلس ننموده است (نظر تفسیری شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۹/۷/۱۴). **لذا با توجه به فلسفه و هدف اصل ۶۹ قانون اساسی (در ضرورت اطلاع مردم از مصوبات مجلس شورای اسلامی)، می‌توان گفت که اطلاع رسانی و انتشار مشروح مذاکرات جلسات کمیسیون‌ها و جلسات دولت حداقل در موارد تصویب قوانین تفویضی، حق مردم است.** هم‌چنین با مراجعه به مشروح مذاکرات قانون اساسی پیرامون اصل ۶۹ درمی‌یابیم که در ذهن قانون‌گذاران آن دوره، استفاده و به‌کارگیری از عبارت «مذاکرات مجلس شورای اسلامی» محدود به مذاکرات صحن علنی نبوده است و در مورد کمیسیون‌ها نیز معنی‌دار است (مشروح مذاکرات قانون اساسی، ص ۸۱۸). با این توضیح روشن می‌شود انتقاد اول کاملاً صحیح بوده و نمایندگان مردم، باید در مورد این مسئله مطابق قانون عمل می‌کردند.

در مورد انتقاد از تأخیر در تدوین، بررسی و تصویب لایحه نیز باید گفت، سخن حقی است که طولانی‌شدن بررسی و تصویب و بازنگری و... به‌وضوح از سال ۱۴۰۱ تاکنون در اخبار مشهود است. لایحه‌ای که باید با شفافیت، سرعت بالا و دقت لازم در زمینه‌های مختلف از جمله جنبه‌های حقوقی، جرم‌انگاری و در نظر گرفتن مقتضیات فرهنگی بررسی شود، متأسفانه مشمول زمان شده و

هرازچندگاهی خبری از آن برای اقناع افکار عمومی منتشر می‌شود بدون آنکه نتیجه‌ای در برداشته باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

تحلیل کلان داده‌های شبکه‌های اجتماعی در این پژوهش، تصویری چندوجهی از نگرش جامعه نسبت به لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب ارائه کرد. نتایج حاکی از آن است که اگرچه اکثریت جامعه با هدف کلی لایحه مبنی بر تقویت بنیان خانواده موافق هستند، اما در خصوص برخی مفاد و نحوه اجرای آن ابهامات و نگرانی‌هایی وجود دارد. از منظر فقهی، لایحه در بسیاری از موارد با اصول کلی اسلام همسو است؛ اما از دیدگاه حقوقی، برخی مواد نیازمند بازنگری هستند. همچنین، نتایج نشان داد که اجرای موفق این لایحه مستلزم توجه به ابعاد اجتماعی مسئله و ایجاد اجماع عمومی است. در مجموع، می‌توان گفت که لایحه مذکور فرصتی برای تقویت بنیان‌های خانواده و جامعه است، اما برای دستیابی به این هدف، نیازمند اصلاحات و تدابیر بیشتری است. با بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش نکات ذیل قابل توجه و تأمل است:

۱. یکی از یافته‌های قابل توجه پژوهش، نقش مؤثر فضای مجازی در مشارکت شهروندان در فرایند قانون‌گذاری است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از شهروندان، از جمله نخبگان و عامه مردم، از طریق شبکه‌های اجتماعی به نقد و بررسی قوانین و لوایح می‌پردازند. این نظرات ارزشمند می‌تواند به قانون‌گذاران کمک کند تا با آگاهی از دیدگاه‌های مختلف، قوانینی کارآمدتر و جامع‌تر و با اهداف دست‌یافتنی‌تر تدوین کنند. به عبارت دیگر، فضای مجازی به عنوان یک بستر آزاد و عمومی، فرصتی را فراهم می‌آورد تا صدای شهروندان در فرایند قانون‌گذاری شنیده شود.

۲. با وجود آنکه نزدیک به ۹۰ درصد پیام‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی اخلاقی بود، اما ۸۷ درصد جهت‌گیری‌ها به لایحه حجاب، منفی بود. این امر حاکی از آن است که جامعه به طور کلی نسبت به مفاد و رویکردهای این لایحه ابهام و نگرانی دارد. به نظر می‌رسد که لایحه مذکور نتوانسته است به طور کامل انتظارات و نیازهای جامعه را برآورده سازد.

بنابراین، توجه به نظرات و دیدگاه‌های متنوع کاربران فضای مجازی به عنوان نمایندگانی از جامعه، می‌تواند به قانون‌گذاران کمک کند تا در تدوین قوانین مرتبط با حجاب، واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی را بهتر در نظر بگیرند و به دنبال راه‌حل‌هایی باشند که ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، مورد پذیرش اکثریت جامعه نیز قرار گیرد.

۳. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی، با فراوانی ۱۸,۷ درصد، مربوط به قانونی بودن مجازات برای بی‌حجابی است. این ابهام می‌تواند ریشه در دو عامل داشته باشد: اول، عدم آگاهی کافی درباره دلایل شرعی حجاب و اهمیت آن؛ و دوم، تردید در مورد حق حکومت برای وضع قوانینی در حوزه پوشش فردی. این مسئله نشان می‌دهد که بسیاری از افراد جامعه در مورد چگونگی تعامل دین و دولت در این حوزه، پرسش‌های جدی دارند. بنابراین، متولیان امر باید به این ابهامات پاسخ شفاف و قانع‌کننده‌ای دهند.

۴. دو مضمون فراگیر بعدی که فراوانی بیشتری نسبت به بقیه مضامین بود نگرانی مردم از این مسئله بود که احتمال دارد با اجرای لایحه حجاب کرامت انسان‌ها زیر سؤال برده شود و یا اینکه در برخوردها عدالت رعایت نشود که این نوع نگاه نیز تأمل‌برانگیز بوده و قانون‌گذار و مجریان می‌بایست به این دو نکته مهم توجه داشته‌باشند و قوانین بازدارنده و متناسب را وضع کنند.

با توجه به نتایج تحقیق، پیشنهادات زیر برای بهبود لایحه و افزایش پذیرش آن ارائه می‌شود:

- ۱- تقویت گفتگو و مشارکت عمومی:
 - ≠ برگزاری جلسات مشورتی گسترده: برگزاری جلسات متعدد با حضور کارشناسان، نمایندگان اقشار مختلف جامعه، و فعالان مدنی برای تبادل نظر و جمع‌بندی نظرات.
 - ≠ ایجاد بسترهای آنلاین برای مشارکت: فراهم کردن امکان مشارکت شهروندان در فرایند قانون‌گذاری از طریق پلتفرم‌های آنلاین و نظرسنجی‌های عمومی.
 - ≠ شفاف‌سازی اهداف و مفاد لایحه: ارائه توضیحات جامع و ساده درباره اهداف و مفاد لایحه به زبان ساده و قابل فهم برای عموم مردم.

- ۲- توجه به ابعاد حقوقی و شرعی:
- ≠ بازنگری در مواد قانونی: بازبینی دقیق مواد قانونی با هدف رفع ابهامات و تضمین تطابق آن با اصول حقوقی و شرعی.
 - ≠ مشورت با فقها و حقوقدانان: بهره‌گیری از نظرات فقها و حقوقدانان خبره برای اطمینان از شرعی و قانونی بودن مفاد لایحه.
 - ≠ توجه به حقوق بشر و کرامت انسانی: تأکید بر حفظ کرامت انسانی و حقوق فردی در تمامی مراحل اجرای قانون.
- ۳- تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق:
- ≠ تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی جامع و شفاف: تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق برای جلوگیری از تفسیرهای متفاوت و اعمال سلیقه‌ای.
 - ≠ آموزش نیروهای اجرایی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروهای اجرایی به منظور آشنایی کامل با مفاد قانون و نحوه اجرای صحیح آن.
- ۴- ایجاد سازوکارهای نظارتی و پاسخگویی:
- ≠ ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل: ایجاد سازوکارهایی برای نظارت بر اجرای قانون و رسیدگی به شکایات احتمالی.
 - ≠ پاسخگویی به انتقادات و پیشنهادات: ایجاد بستری برای دریافت انتقادات و پیشنهادات شهروندان و پاسخگویی مناسب به آن‌ها.
- ۵- توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی:
- ≠ در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی: توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور و تدوین قوانینی که با این تفاوت‌ها سازگار باشد.
 - ≠ پرهیز از رویکردهای یکسان‌ساز: پرهیز از رویکردهای یکسان‌ساز و توجه به تنوع سلیقه‌ها و باورهای مردم.

فهرست منابع

- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. (1414). Lisan al-Arab. Beirut: Dar Sadr. (In Persian)
- Ibn Zahra, Hamzah bin Ali. (Beta). Ghaniy al-Nzoo Il-Ili al-Usul and Al-Faroo. (Ebrahim Bahadri). Imam al-Sadiq Foundation. (In Persian)
- Nasaid, Yahya ibn Ahmad. (Beta). Al-Jami' al-Shara'i. (Collected by Ja'far Sobhani Tabrizi, and Ja'far Sobhani Tabrizi). Sayyid al-Shuhada'a Institute. (In Persian)
- Eskandari, Mustafa. (2009). The Nature and Importance of Privacy, 15(4). (In Persian)
- Al-Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah. (1988). Imam Khomeini's Sahifa. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Al-Musawi Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2013). Al-Wasilah Publishing House. Tehran: Imam Khomeini's Works Compilation and Publishing Establishment. (In Persian)
- Al-Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah. (2009). Al-Bai. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Imam Khomeini, Seyyed Ruhollah; and other authorities. (1424). Explanation of the issues (Imam and authorities). Qom: Qom Seminary Teachers' Association. Islamic Publications Office. (In Persian)
- Ansari, Morteza. (1416). Fara'id al-Usul. Qom: Islamic Publishing Institute. (In Persian)
- Bahrami, Bahram. (2015). Legal Requirements for the Execution of Financial Convictions, Explanation and Criticism of the Law. Tehran: Negah Bineh. (In Persian)
- Statements of the Supreme Leader of the Revolution. (1402, 3 Khordad). <https://farsi.khamenei>. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah. (1400). Tasnim commentary. Qom: Israa. (In Persian)
- Javadi Amoli, Abdullah. (Beta). A course on the jurisprudence of marriage. <http://javadi.esra.ir/>. (In Persian)
- Har Ameli, Mohammad Bin Hasan. (1409). Details of the means of the Shia to study the issues of the Shari'a. Qom: Al-Al-Bait Foundation for Revival of Tradition. (In Persian)
- Hakim, Seyyed Mohsen. (2011). Mostemsk Urwa al-Wagghi. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. (In Persian)
- Hilli, Muhammad bin Mansur Idris. (1410). Al-Sara'ir Al-Hawi for the compilation of fatwas. Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. (1412). Vocabulary of the Quran. Beirut: Dar al-Qalam. (In Persian)
- Rostami, Vali. (2008). People's Participation in Legislation of the Islamic Republic of Iran. Law Quarterly; Faculty of Law and Political Sciences, 38(1), 179-204. (In Persian)
- Sabzevari, Abdul-Ali. (1413). Mahzab al-Ahkam. Qom: Dar al-Tafsir. (In Persian)
- Sharif al-Redi, Mohammad. (1414). Nahj al-Balagha Qom: Nahj al-Balagheh Foundation. (In Persian)
- Shahriari, Hamid. (Beta). Privacy and the Information Society, (3 and 4). (In Persian)
- Shahid Thani, Zayn al-Din ibn Ali. (1413). Paths of Understanding to the Revision of Islamic Laws. Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyya Foundation. (In Persian)
- Sadeghzadeh Tabatabaei, Seyyed Mahmoud. (2014). An Introduction to the Application of the Rule of Justice. Jurisprudence and Principles, (98), 143-158. (In Persian)
- Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussein. (1390). Al-Mizan in the Interpretation of the Qur'an. Beirut: Al-A'lami Publishing House. (In Persian)
- Tarihi, Fakhreddin bin Muhammad. (1375). Bahrain Assembly. Tehran: Al-Mortazavi School. (In Persian)

- Tusi, Muhammad bin Hassan. (Beta). Al-Khalaf (a group of researchers). Jamaat al-Madrasin in Al-Hawza Al-Alamiya in Boqm. Islamic Publishing House. (In Persian)
- Allameh Hali, Hassan bin Yusuf. (1374). Al-Shia's differences in the rules of the Shari'a. (College of teachers of Qom seminary. Office of Islamic Publications). Qom: Islamic Publishing House. (In Persian)
- Aliabadi, Abdolhossein. (2013). Criminal Law. Tehran: Ferdowsi. (In Persian)
- Gharavi Na'ini, Mirza Muhammad Hussain. (1413). Al-Makasib Wal-Bi'. (Muhammad Taqi Amoli). Qom: Islamic Publications Office. (In Persian)
- Gharavi Na'ini, Mirza Muhammad Hussein. (1424). Punishment of the Ummah and Purification of the Nation. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office. (In Persian)
- Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409). Al Ain Qom: Dar al-Hijra Foundation. (In Persian)
- Fallah Tafti, Fatemeh. (2018). Sovereignty; Hijab and Chastity. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Firuzabadi, Muhammad ibn Yaqub. (1415). The Enclosed Dictionary. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. (In Persian)
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. (1414). Al-Masbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer by Raff'i. Qom: Dar al-Hijra Foundation. (In Persian)
- Ghorbania, Nasser. (2008). Human Rights and Humanitarian Rights. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. (In Persian)
- Qurashi Banabi, Ali Akbar. (1932). Quran Dictionary. Tehran: Dar Al-Kutb Al-Islamiyya. (In Persian)
- Stels, Manuel. (2006). The Information Age (Economy, Society, Culture). (Hassan Chavoshian, translator). Tehran: Tarh No. (In Persian)
- Kadivar, Mohsen. (2008). The Rights of People; Islam and Human Rights. Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- Kulayni, Muhammad ibn Yaqub. (2008). Al-Kafi (Dar al-Hadith). Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. (In Persian)
- Kahvand, Mohammad. (2016). Spider Web. Qom: Zekri Publications. (In Persian)
- Koosha, Jafar. (2002). Crimes against Judicial Justice. Tehran: Mizan. (In Persian)
- Levy-Bruhl, Henri. (1931). Sociology of Law. (Abolfazl Ghazi Shariat Panahi, translator). Tehran: Tehran University Publishing and Printing Institute. (In Persian)
- Muhammad, Ali. (2006). A study of the rule of justice and fairness and its effects. Philosophical-Theological Studies, (30), 235-270. (In Persian)
- Mahallati, Mohammad Soroush. (2009). Investigating the scope of privacy from the perspective of political jurisprudence. Investigating the scope of privacy from the perspective of political jurisprudence. Fahim Cultural Research, Tehran. (In Persian)
- Mohammadi, Aqeel. (2012). Preventive Torture from the Perspective of the Rules Prohibiting Torture and Human Dignity. Public Law Studies, 50(3), 1147-1165. (In Persian)
- Mustafavi, Hassan. (1368). Investigation of the words of the Holy Qur'an. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (1993). Collection of works of Professor Shahid Motahari. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Motahari, Morteza. (2004). Collection of works of Professor Shahid Motahari. Tehran: Sadra. (In Persian)
- Mozaffar, Mohammad Reza. (1999). Principles of Jurisprudence. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. Publication Center. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Nasser. (1425). Ta'zir and its scope. Qom: Amir al-Momenin Institute. (In Persian)

- Makarem Shirazi, Nasser. (1424). The Book of Marriage (Makaram). Imam Ali Bin Abi Talib School. (In Persian)
- Malek Esmaili, Azizollah. (1970). General Criminal Law. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Najafi, Mohammad Hassan. (1404). Jawaharlal Kalam Beirut - Lebanon: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. (In Persian)
- Qaybi, Abolqasem. (2012). Components of human dignity from the perspective of the Holy Quran. Siraj Munir, 3(8), 46-61. (In Persian)
- Noori, Mohammad Ali; and Nakhjavani, Reza. (2004). Data Protection Rights. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Yazdi, Muhammad Kazem bin Abdul Azim. (1422). Al-Arwa Al-Waghti. (Some of them are the eminent jurists and Ahmad Mohseni Sabzevari). Qom: Islamic Publishing Institute. (In Persian)
- Yazdi, Mohammad Kazem bin Abdul Azim. (1409). Al-Arwa Al-Waghti (Alam Asr, Al-Alami Foundation). Beirut: Al-Alami Publishing House. (In Persian)

